



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور و نهضت زمینه‌سازی برای ظهور مهدی
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان
۳. اخلاق؛ مکارم و رذائل اخلاق

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتاری از آن جناب در یاد نیکان گذشته و نکوهش این زمان و اهلش و تأکید بر ضرورت رساندن حکومت به مهدی

أخبرنا أحمد بن عبد الرحمن وعلي بن داود جميعاً، قالوا: كُتِبَ جماعة عند المنصور الهاشمي الخراساني، فالتفت إلينا وقال:

«لَعَلَّكُمْ تَظُنُّونَ أَنِّي قُمْتُ بِهَذَا الْأَمْرِ عَلَى رَأْيٍ رَأَيْتُهُ أَوْ حَدِيثٍ سَمِعْتُهُ! لَا وَاللَّهِ، لَوْ قُمْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا لَصَلَلْتُ كَمَا ضَلَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِي، وَلَكِنِّي قُمْتُ بِهِ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي، فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ، وَسَيُظْهِرُهَا لَكُمْ، فَتَظِلُّ أَعْنَاقُكُمْ لَهَا خَاضِعِينَ!»

فتصفَّح الوجوه وكأنَّ على رؤوسنا الطير، فقال:

«أَوْ لَعَلَّكُمْ تَظُنُّونَ أَنِّي دَعَوْتُكُمْ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ رَغْبَةً فِيكُمْ أَوْ حَاجَةً إِلَيْكُمْ! كَلَّا، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّ وَالتَّوَى، لَوْ لَا عَهْدُ اللَّهِ إِلَيْنَا وَفَضْلُهُ عَلَيْكُمْ، لَا عَتَرْنَاكُمْ، وَاتَّخَذْنَا مِنْ دُونِكُمْ حِجَابًا، وَكُنَّا عَنْ مُصَاحَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ، وَكَانَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ بَعْدُ الْمَشْرِقَيْنِ، ثُمَّ أَيْقَنْتُمْ أَنَّهُ مَا لَنَا فِيكُمْ مِنْ رَغْبَةٍ وَلَا حَاجَةٍ!»

ثم أخذ البكاء حتى جرت دموعه على خديه، ثم قال:

«إِلَى اللَّهِ أَشْكُو غُرْبَتِي وَضَعْفَ قُوَّتِي وَهَوَانِي عَلَى النَّاسِ! أَيْنَ إِخْوَانِي؟ أَيْنَ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟ أَيْنَ الَّذِينَ سَلُّوا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ، وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ؟ أَيْنَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ

اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ؟ أَيْنَ الَّذِينَ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ، وَأَصْرُوا بِمَعَاذِهِمْ، وَفَقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بَغِيرَ غَيْبَةٍ عَنْ مِصْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاذَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ، وَاتْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا؟ أَيْنَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ؟ أَيْنَ رُهْبَانُ اللَّيْلِ وَلُيُوثُ النَّهَارِ؟ أَيْنَ الرَّبِّيُونَ الَّذِينَ مَا وَهَنُوا وَمَا اسْتَكَاثُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُ اللَّهِ؟ أَيْنَ الَّذِينَ يُحِبُّهُمْ اللَّهُ وَيُحِبُّونَهُ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ؟ مَا لِي لَا أَرَاهُمْ حَوْلِي؟ هَا هُمْ سَارِعُوا إِلَى رَبِّهِمْ، وَتَرَكُونِي وَحِيدًا فِي مَعْشَرٍ مِنَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ وَلَا يَتَعَلَّمُونَ، وَلَا يَعْقِلُونَ وَلَا يَسْمَعُونَ، يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ بِالْهَدَى وَيَشْرُونَ الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا، لَا يَعْرِفُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ!

فَكَأَنَّ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَنُسِيَ، وَالْجُورَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ كُلَّهَا، وَأَهْلُ الْبَاطِلِ ظَاهِرُونَ، وَأَهْلُ الْحَقِّ مُحْتَفُونَ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَيْتِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ، وَيُحْكَمَ فِي النَّاسِ بِحُكْمِ الْجَاهِلِيَّةِ فَلَا يُنْكِرُونَ، وَيَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ، وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ عِلَاقِيَّةً فَلَا يُرَدُّ عَلَيْهِمْ، وَيُفْسِقُ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ فَلَا يُنْجَى عَنْهُ، وَيَفْتَخِرُونَ بِالْعَصْبِيَّةِ وَالتَّقْلِيدِ، وَيَلْعَبُونَ بِدِينِ اللَّهِ وَيَسْتَخِفُّونَ بِآيَاتِهِ، وَيَحْضُونَ فِي الْأَرَاءِ، وَيَحُونُ الْمُسْلِمُونَ الْمُسْلِمِينَ قُرْبَةً إِلَى الْكُفَّارِ، وَلَا يَنْصَحُونَ، وَلَا يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، بَلْ يَرَوْنَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا وَيَأْمُرُونَ بِهِ، وَيَرَوْنَ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَيَنْهَوْنَ عَنْهُ، وَيَحْلُلُونَ الْحَرَامَ، وَيَحْرِمُونَ الْحَلَالَ، وَيُبَدِّلُونَ الْأَحْكَامَ، وَيُعْطِلُونَ الْحُدُودَ، وَيَعْمَلُونَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ، وَيَأْخُذُونَ الرُّشَى، وَيَأْكُلُونَ الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، وَيَرْتَعُونَ فِي بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ، وَيَفْعَلُونَ الْكِبَائِرَ وَلَا يَسْتَحْيُونَ، وَيُضِعُّونَ الصَّلَوَاتِ، وَيَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ، وَيَجْعَلُونَ الْمَالَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْهُمْ، وَيَجْعَلُونَ بُيُوتَهُمْ كَالْقُصُورِ، وَيَصْنَعُونَ الْبُرُوجَ بِالْعُرُوجِ، وَيَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً يَعْبَثُونَ، وَيَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّهُمْ يَخْلُدُونَ!

أَلَا يَرَوْنَ كَثْرَةَ الْفَحْطِ وَالزَّلَازِلِ؟ أَلَا يَرَوْنَ غَلَاءَ الْأَسْعَارِ، وَنَقْصَ الْأَمْوَالِ بِكَسَادِ التِّجَارَاتِ وَقِلَّةِ الْفَضْلِ فِيهَا، وَنَقْصَ الْأَنْفُسِ بِالْمَوْتِ الدَّرِيعِ، وَنَقْصَ الثَّمَرَاتِ بِقِلَّةِ رِيعِ الزَّرْعِ وَقِلَّةِ بَرَكََةِ الثَّمَارِ؟ أَلَا يَرَوْنَ الْحُرُوبَ كَيْفَ نَزَلَتْ بِهِمْ، وَأَزَالَتِ الْأَمْنَ عَنْ بِلَادِهِمْ؟ أَلَا يَرَوْنَ الدَّلَّةَ وَالْمُسْكَنَةَ كَيْفَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمْ أَيْتَمَا تُقْفُوا؟ أَلَا يَرَوْنَ الْكُفَّارَ كَيْفَ يَتَقَلَّبُونَ فِي أَرْضِهِمْ، وَيَسْكُنُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ، وَيَقْتُلُونَ أَبْنَاءَهُمْ، وَيَعْتَصِبُونَ نِسَاءَهُمْ؟ وَإِنِّي أُنَبِّئُ أَنْ أَحَدًا مِنْ هَؤُلَاءِ الْخَنَازِيرِ قَدْ دَخَلَ بَيْتَ مُسْلِمٍ فِي الْعِرَاقِ، فَقَتَلَهُ بِمَشْهَدِ أَهْلِهِ، ثُمَّ تَعَرَّضَ لِمَرَاتِهِ، فَأَغْتَصَبَهَا بِمَشْهَدِ طِفْلَيْهَا، ثُمَّ قَتَلَهُمَا - قَتَلَهُ اللَّهُ - مِنْ دُونِ رَدْعٍ قَبْلَ ذَلِكَ أَوْ أَخَذَ بَعْدَهُ، وَهُوَ فِي بَلَدِ الْمُسْلِمِينَ! وَإِنِّي لَا أَرَى مِثْلَ هَذِهِ الدَّلَّةِ

إِلَّا طَلَعَ الْحُكُومَةُ الَّتِي غَرَسَتْهَا أَيْدِي النَّاسِ، وَ﴿إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْحَجِيمِ﴾^۱ طَلَعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ﴾^۲، وَأَرَاهُمْ يَرْضَوْنَ بِهَا، ﴿فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُ مِنْهَا فَمَالِثُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ﴾^۳، يَزْعُمُونَ أَنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا أَمْنًا وَيَكُونُ مَرْجِعُهُمْ إِلَى الْفَرَجِ، ﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ﴾^۴ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْحَجِيمِ﴾^۵ لَا وَاللَّهِ، لَا أَمْنٌ لَهُمْ وَلَا فَرَجٌ حَتَّى يُؤَدُّوا الْحُكُومَةَ إِلَى الْمَهْدِيِّ، وَفِيهِ أَمْنُهُمْ وَفَرَجُهُمْ، وَهُوَ كَهْفُ هَذِهِ الْأُمَّةِ!»

ثم غلب عليه البكاء، فبكينا معه، وصار البيت ضجة واحدة!

ترجمه ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن و علی بن داوود هر دو ما را خبر دادند، گفتند: ما در میان جماعتی نزد منصور هاشمی خراسانی بودیم، پس به ما روی نمود و فرمود:

«شاید شما گمان می‌برید که من بر پایه‌ی رأیی که دیده‌ام یا حدیثی که شنیده‌ام به این کار قیام کرده‌ام! نه به خدا سوگند، اگر بر پایه‌ی این دو به آن قیام می‌کردم هرآینه گمراه می‌شدم همان گونه که کسانی که پیش از من بودند گمراه شدند، ولی من بر پایه‌ی بینه‌ای از جانب پروردگارم به آن قیام کردم که بر شما پوشیده است و زودا که بر شما آشکارش سازد، پس گردن‌هاتان در برابرش خاضع شود!».

در این هنگام چهره‌های ما را از نظر گذراند و چنان بود که گویی بر سرهای مان پرنده نشسته است، پس فرمود:

«یا شاید می‌پندارید که من از روی علاقه یا نیازی به شما به این کار دعوت‌تان کردم! چنین نیست، به کسی که دانه و هسته را شکافت سوگند که اگر عهد خداوند با ما و فضل او بر شما نبود، هرآینه از شما کناره می‌گرفتیم و میان خود و شما حجابی قرار می‌دادیم و از مصاحبت با شما مشغول بودیم و میان ما و شما از شرق تا غرب فاصله بود و آن گاه در می‌یافتید که ما را به شما رغبت یا حاجتی نیست!».

سپس آن جناب را گریه گرفت تا حدی که اشک‌هایش بر گونه‌هایش سرازیر شد، سپس فرمود:

«به خداوند شکایت می‌برم از غربتم و ضعف توانم و ناچیزی‌ام در نظر مردم! کجا

۱. الصّافّات / ۶۴ و ۶۵

۲. الصّافّات / ۶۶

۳. الصّافّات / ۶۷ و ۶۸

هستند برادران من؟ کجا هستند یاران من به سوی خدا؟ کجا هستند کسانی که از اهل و اولاد خود گسستند و از وطن دور شدند؟ کجا هستند مجاهدان در راه خدا و مردان و زنان و کودکان مستضعف؟ کجا هستند کسانی که کسب و کار خود را رها کردند و به درآمدهای خود زیان رساندند و از محافل خود ناپدید شدند بی آنکه از شهرهایشان غایب باشند و با بیگانه‌ای که آنان را در کارشان کمک رساند هم‌پیمان شدند و به آشنایی که آنان را از هدفشان باز دارد پشت کردند و پس از پراکندگی و جدایی در روزگارشان به یکدیگر پیوستند و رشته‌های پیوند خود به داشته‌های بی‌ارج دنیا را بریدند؟ کجا هستند بندگان خدای رحمان؟ کجا هستند راهبان شب و شیران روز؟ کجا هستند خدایی‌هایی که نه سست شدند و نه کم آوردند تا آن گاه که یاری خدا به آن‌ها رسید؟ کجا هستند کسانی که خدا آن‌ها را دوست می‌دارد و آن‌ها خدا را دوست می‌دارند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت ملامت‌گری نمی‌هراسند؟ من را چه می‌شود، چرا آن‌ها را در پیرامونم نمی‌بینم؟! آری، آن‌ها به سوی پروردگارشان شتافتند و من را در میان مردمی تنها گذاشتند که نه می‌دانند و نه مرا می‌گیرند و نه عقل را به کار می‌اندازند و نه گوش می‌سپارند، گمراهی را به هدایت می‌خرند و آخرت را به دنیا می‌فروشند، از اسلام به جز نام آن و از قرآن به جز خط آن را نمی‌شناسند!

پس گویا حق مرده و از یادها رفته و ستم‌همی سرزمین‌ها را فرا گرفته است و اهل باطل آشکارند و اهل حق از بیم فرعون‌ها و بزرگان‌شان پنهانند که مبادا آن‌ها را به فتنه بیندازند و در میان مردم به حکم جاهلیت حکومت می‌شود ولی انکار نمی‌کنند و بر خدا و پیامبرش دروغ می‌بندند در حالی که آگاهی دارند و در زمین آشکارا فساد می‌انگیزند و بر آن‌ها رد نمی‌شود و در ملأ عام فسق ورزیده می‌شود و از آن نهی نمی‌شود و به عصبیت و تقلید افتخار می‌کنند و دین خدا را به بازی می‌گیرند و به آیات او استخفاف می‌نمایند و در دیدگاه‌ها فرو می‌روند و مسلمانان به مسلمانان خیانت می‌کنند تا به کافران نزدیک شوند و خیر یکدیگر را نمی‌خواهند و به معروف امر نمی‌کنند و از منکر باز نمی‌دارند، بلکه منکر را معروف می‌بینند و به آن امر می‌کنند و معروف را منکر می‌بینند و از آن باز می‌دارند و حرام را حلال و حلال را حرام می‌گردانند و احکام را دگرگون می‌سازند و حدود را تعطیل می‌نمایند و درباره‌ی آن‌ها به اهواء عمل می‌کنند و رشوت می‌گیرند و با نرخ‌های بالا ربا می‌خورند و به بیت المال مسلمانان دست می‌برند و گناهان بزرگ مرتکب می‌شوند و حیا نمی‌کنند و نمازها را ضایع و از شهوت‌ها پیروی می‌نمایند و مال را در میان ثروتمندان خود دست به دست می‌گردانند و خانه‌هایشان را مانند قصرها قرار می‌دهند و برج‌ها را با ارتفاع بسیار می‌سازند و بر سر هر بلندی نشانی به بازی بنا می‌کنند و دژهای استواری برمی‌گیرند تا شاید جاودان بمانند!



آیا کثرت خشکسالی‌ها و زلزله‌ها را نمی‌بینند؟! آیا افزایش قیمت‌ها و کاهش دارایی‌ها با کساد شدن کسب و کارها و کاستی سود در آن‌ها و کاهش عمرها با مرگ‌های ناگهانی و کاهش محصولات با کندی رویش کشت و کاستی برکت میوه‌ها را نمی‌بینند؟! آیا جنگ‌ها را نمی‌بینند که چگونه بر آن‌ها فرود آمده و امنیت از سرزمین‌هایشان رخت بر بسته است؟! آیا ذلت و بی‌چارگی را نمی‌بینند که چگونه به آنان برخورد کرده است در هر جایی که یافت می‌شوند؟! آیا کافران را نمی‌بینند که چگونه در زمین‌هایشان گردش می‌کنند و در خانه‌هایشان ساکن می‌شوند و فرزندانشان را می‌کشند و به زنانشان تجاوز می‌کنند؟! و هرآینه من خبر داده شدم که یکی از این خوک‌ها به خانه‌ی مرد مسلمانی در عراق درآمده، پس او را در حضور خانواده‌اش کشته و سپس متعرض زن او شده و به او پیش چشم طفلش تجاوز کرده و سپس -خدایش بکشد- هر دو را به قتل رسانده است بدون هیچ مانعی پیش از آن یا مؤاخذه‌ای بعدش و هرآینه من چنین ذلتی را جز ثمره‌ی حکومت‌هایی که دست‌های مردم آن را نشانده است نمی‌بینم و <هرآینه آن درختی است که در اصل جهنم می‌روید؛ ثمره‌ی آن گویا سرهای شیاطین است> و آن‌ها را به آن راضی می‌بینم <چه اینکه آن‌ها از آن خورندگانند و شکم‌های خود را از آن پر کنندگانند!>. می‌پندارند که برایشان بر روی آن امنیت است و بازگشت‌شان به سوی فرج خواهد بود <در حالی که برایشان بر روی آن شربتی از آب سوزان است و سپس بازگشت‌شان به سوی جهنم خواهد بود!>. نه به خدا سوگند، نه امنیت برای آن‌ها هست و نه فرجی تا آن گاه که حکومت را به مهدی برسانند و امنیت و فرج‌شان در اوست و او پناه‌گاه این امت است!>.

در این هنگام گریه بر آن جناب غالب شد، پس ما نیز به همراه او به گریه افتادیم و خانه یکسره شیون شد!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه انتشارات پایگاه

صفحه انتشارات پایگاه

صفحه انتشارات پایگاه

صفحه انتشارات پایگاه

لینک مطلب فوق